

تنها مسیر برای زندگی بهتر/ج ۲

پناهیان: باید زندگی مان را درست کنیم تا بتوانیم عاشق خدا شویم/«سامری»های امت پیامبر(ص) دنبال دین و عرفان منهای زندگی بوده اند/ دین حتی می تواند فوتبال ما را بهتر کند/دشمنی با انبیاء از آنجایی آغاز شد که انبیاء قصد آبادانی زندگی را کردند+صوت

ما باید از طریق اصلاح زندگی، بندگی خودمان را اصلاح کنیم. اگر ما بتوانیم زندگی خودمان را تنظیم کنیم به نقطه ای خواهیم رسید که زندگی بسیار زیبایی خواهیم داشت. هر وقت دیدید که حال مناجات ندارید، مطمئن باشید که خوب زندگی نکرده اید، یعنی یک جاهایی به زندگی بی اعتنا بوده اید، یک جاهایی برای زندگی اهمیت قائل نشده اید، یا اینکه با پدیده معیشت و حیات و زندگی، غیرمحترمانه برخورد کرده اید.

حجت الاسلام علیرضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «**تنها مسیر-راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی**» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق(ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **دومین جلسه** این سخنرانی را می خوانید:

خیلی ها تصور می کنند که دین، زندگی را منفور می داند!

- زندگی نه تنها در نظر مردم بلکه در نظر پروردگار عالم نیز موضوع بسیار مهم و قابل توجهی است، کما اینکه در بخشی از آیات کریمه قرآن، خداوند متعال از موضوع زندگی شروع می کند. در سوره مبارکه طه، خداوند از زندگی در بهشت، برای حضرت آدم(ع) تعریف می کند و چهار ویژگی مهم را برای آن زندگی برمی شمرد و می فرماید: تو در بهشت هیچ وقت گرسنه نخواهی شد، هیچ وقت تشنه نخواهی شد، هیچ وقت بی لباس و نامن باقی نخواهی ماند، هیچ وقت زیر آفتاب، بی سرپناه قرار نخواهی گرفت. (إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَىٰ ۖ وَ أَنْكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَ لَا تَضْحَىٰ؛ طه/۱۱۸ و ۱۱۹) و می فرماید: مواظب باش که دشمن تو یعنی شیطان، تو را از این بهشت اخراج نکند (فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوُّ لَكَ وَ لِرِجْزِكَ فَلَا يَخْرُجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ؛ طه/۱۱۷) این آیات نشان می دهد که خداوند در آغاز زندگی انسان در بهشت، درباره «زندگی» انسان با او سخن می گوید. پس معلوم می شود که زندگی انسان برای خداوند مهم است، آن هم آن بخشی از زندگی که مربوط می شود به نیازهای ابتدایی حیاتی ما که حتی می توان از آن به نیازهای حیوانی تعبیر کرد.
- تصور خیلی ها از دین اساساً این است که دین زندگی را چیز بدی می داند! یا اینکه دین زندگی را یک مسأله منفوری می داند که اصلاً زشت است درباره آن سخن بگوییم! حتی برخی تصور می کنند که دین می خواهد یک طوری این زندگی را از بین ببرد! تصور ما باید نسبت به زندگی، درست شود.
- خداوند در آیات فوق می فرماید: مواظب باشید که شیطان شما را از بهشت اخراج نکند که اگر از بهشت خارج شوید، زندگی شما دچار مشقت و سختی خواهد شد. (...فَلَا يَخْرُجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَسْقَى؛ طه/۱۱۷) و بعد از هبوط آدم(ع) به زمین نیز می فرماید: هدایت من به شما خواهد رسید، وقتی هدایت من به شما برسد، اگر از هدایت من تبعیت کنید، زندگی شما دچار مشقت نخواهد شد (فَأَمَّا

يَا تَبَتُّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى؛ طه/۱۲۳) و در ادامه می‌فرماید: اگر از هدایت من تبعیت نکنید و حرف پیامبران مرا گوش نکنید، زندگی شما دچار دشواری خواهد شد (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ طه/۱۲۴)

تبعیت از هدایت الهی، زندگی راحت را نصیب انسان خواهد کرد/پیامبر(ص): نماز مایه راحتی بدن است

• در این آیات از سوره طه کاملاً واضح است که موضوع اول، موضوع زندگی انسان است و اینکه ما نباید زندگی بامشقتی داشته باشیم. یکی از اهداف کلیدی و مهم هدایت‌های الهی، از بین بردن زندگی پرمشقت است و تبعیت کردن از هدایت الهی، زندگی راحت را نصیب انسان خواهد کرد.

• به عنوان مثال در دین ما، نماز عمود خیمه دین است و اهمیت نماز معلوم است. و بسیاری از ما از اسرار نماز سر در نمی‌آوریم. نماز یک عمل تکراری است و ممکن است سخت باشد که انسان روزی چند مرتبه از زندگی عادی خودش دل بکند و کاری را انجام دهد که شاید حکمت و فایده آن را هم متوجه نشود. در حالی که نماز علاوه بر آثار معنوی فراوان، آثار و فواید مادی نیز برای ما دارد. یک نمونه‌اش این است که پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «نماز مایه راحتی و آرامش بدن انسان است؛ الصَّلَاةُ...رَاحَةٌ فِي الْبَدَنِ» (جامع الاخبار/۷۲)

کمترا کسی به آثار جسمی و فواید دنیایی نماز توجه می‌کند/امیرالمؤمنین(ع): نماز شب موجب سلامت بدن است

• **ما معمولاً کمتر به آثار جسمی نماز توجه می‌کنیم و کمتر کسی به فواید دنیایی نماز توجه می‌کند. اگر مبلغین بخواهند درباره این آثار و فواید دنیایی نماز سخن بگوئیم، احتمالاً به آنها خواهند گفت: «شما آن مسائل زیبایی معنوی را از آن اوج خودش پایین آوردید و در سطح نیازهای مادی ما مطرح کردید!»**

• همچنین درباره نماز شب که اوج معنویت ماست، روایت‌های زیادی وجود دارد که به آثار و فواید دنیایی آن اشاره دارد. به عنوان مثال امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «قیام شب، اصلاح‌کننده بدن است؛ قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ» (محاسن/۱/۵۳) یعنی سحرخیزی و نماز شب، سلامت را برای بدن انسان به ارمغان می‌آورد. برخی از کسانی که در رشته‌های مختلف مربوط به بیماری‌های جسمی کار می‌کنند نیز بر اساس مطالعات و بررسی‌های علمی، سخنانی در این زمینه دارند.

• بسیاری از ما باور نمی‌کنیم که نماز شب برای سلامتی بدن مان هم مفید است! نگاه ما به دین، معمولاً این‌گونه نیست که ما برای زندگی راحت و خوب و خوش در دنیا، به دین احتیاج داریم و دین هم بهترین راهنمایی‌ها را در این زمینه انجام داده است، راهنمایی‌هایی که دیگران نمی‌توانند برای ما انجام دهند بلکه این پروردگار انسان است که می‌تواند ما را در داشتن زندگی بهتر راهنمایی کند.

«رفع سوء تفاهم درباره دین» هدف اول از طرح این بحث/ ابلیس با ایجاد سوء تفاهم آدم(ع) را از بهشت خارج کرد

• ما در این جلسات که می‌خواهیم برای زندگی بهتر، به سراغ دین برویم، سه هدف عمده را از این بحث در نظر داریم. یک هدف رفع سوء تفاهم است؛ هم برای مذهبی‌ها و هم برای غیرمذهبی‌ها. در طول تاریخ، خیلی سوء تفاهم‌ها ایجاد شده است. ابلیس از همان روز اول در این زمینه کار کرده است. او با ایجاد یک سوء تفاهم، حضرت آدم(ع) را از بهشت خارج کرد و او را به معصیت

وادر کرد و ما را به زمین کشاند. خیلی‌ها برای این سوء تفاهم دارند کار می‌کنند. اولش هم با تمسخر شروع می‌کنند، فکر نکنید با استدلال شروع می‌کنند. بلکه با فریبکاری و تزیین دنیا و با ایجاد غفلت در انسان و با تمسخر آدم‌های مذهبی و تمسخر دین و دیانت، این کار را انجام می‌دهند. فکر نکنید که آنها واقعاً سخن منطقی‌ای در این زمینه دارند!

- آیا کسی هست که تحقیق کرده باشد که نماز برای بدن ضرر دارد؟! آیا کسی هست که بر اساس تحقیق و بررسی بگوید: نماز هیچ فایده‌ای ندارد؟! در این زمینه‌ها، حتی سخن به‌ظاهر عالمانه غلط هم وجود ندارد. بلکه با تمسخر و سخنان پوچ و عوامانه و شلوغ‌کاری سعی می‌کنند سوء تفاهم ایجاد کنند. ولی بالاخره در طول تاریخ یک تجمعی از سخنان غلط و ذهنیت‌های غلط نسبت به دین پدید آمده است.

هم متدین‌ها و هم غیرمتدین‌ها درباره فاصله دین و زندگی دچار سوء تفاهمند

- بسیاری از آدم‌های غیرمذهبی و غیرمتدینی منظم هستند و در زندگی روزمره‌شان آدم‌های موفقی هستند. مثلاً خوب درس می‌خوانند، خوب درس می‌دهند، خوب کار می‌کنند، آرامش روحی دارند، در کسب و کارشان آدم‌های دقیقی هستند. یعنی خیلی‌ها هستند که جزئیات مادی زندگی‌شان درست است ولی می‌بینیم که دینداری نمی‌کنند. معلوم می‌شود به احتمال زیاد، برای اینها سوء تفاهمی پیش آمده است در حالی که اینها خیلی با دین تناسب دارند.

- برای کسانی که اهل دین و دیانت نیستند، سوء تفاهم‌های زیاد و متنوعی نسبت به فاصله داشتن دین با زندگی پدید آمده است، به حدی که بعضی‌ها فکر می‌کنند که دین مال اینها نیست و اینها آدم دین نیستند! این سوء تفاهم باید برطرف شود.

- این سوء تفاهم‌ها فقط برای آدم‌های بی‌دین نیست، بلکه آدم‌های متدین هم در زمینه فاصله داشتن دین و زندگی، خیلی دچار سوء تفاهم هستند. مثلاً آدم متدین و معتقدی که اهل نماز است و دستورات خدا را اجرا می‌کند اما چون از دین برای بهبود زندگی‌اش استفاده نکرده، زندگی موفقی ندارد؛ او هم احتمالاً دچار سوء تفاهم است. او هم فکر می‌کند که دین ربطی به زندگی‌اش ندارد و لذا هر موقع در اثر اینکه دستورات دینی را اجرا نکرده، در زندگی‌اش ناموفق می‌شود، فکر می‌کند که این مقدرات الهی بوده که مثلاً فقر نصیبش شود یا برخی مشکلات در زندگی‌اش پدید بیاید. در حالی که او می‌توانست بسیاری از مشکلات را با کمک دین برطرف کند.

- ما باید سوء تفاهم‌ها را برطرف کنیم تا اقبال به دین بیشتر شود. اگر بتوانید برای همه روشن کنید که «دین برنامه‌ای برای زندگی بهتر است»، طرفداران دین خیلی بیشتر خواهند شد. درباره همین روزه ماه مبارک رمضان پیامبر (ص) فرموده‌اند: «صَوْمُوا تَصِحُّوا» (دعائم الاسلام/۱/۳۴۲) یعنی روزه بگیرید تا سلامت بدنی خودتان را پیدا کنید. پزشکان هم باید در این باره صحبت کنند. یک نمونه دیگر از آثار عبادت بر جسم هم این است که سجده طولانی برای گردش بهتر خون در مغز مؤثر است.

در صورت رفع سوء تفاهم‌ها، دین یک مقوله «روشنفکری» و «تجددمآب» محسوب خواهد شد

- اگر این سوء تفاهم‌ها برطرف شود، دین جلوه دیگری بین مردم پیدا خواهد کرد. اولاً دین از مقوله روشنفکری خواهد شد. و ثانیاً دین چیزی از مقوله تجددمآبی خواهد شد. یعنی کسانی که دوست دارند جدید باشند، و به دنبال راه حل‌های جدید برای زندگی

بہتر هستند، به سراغ دین خواهند رفت. اگر نگاه ما به دین این گونه باشد که دین آدمها را باکلاس می کند و آنها را به زندگی بہتر می رساند، اوضاع بازار دین و دینداری متفاوت خواهد شد. و مذهبی های ما از دینداری نفع بیشتری خواهند بُرد.

- **وقتی به بعضی متدین ها می گوییم: «دینداری تو به نفع زندگی توست و زندگی تو را بہتر خواهد کرد و تو را در زندگی، موفق تر قرار می دهد» برخی می گویند: «شما معنویت ما را خراب کردید؛ چون نگاه ما به دین، خیلی عارفانه تر و مخلصانه تر و عاشقانه تر از اینها بود!» در حالی که این نگاہی که خیال می کنیم خیلی عارفانه و مخلصانه تر است، یک نوع منت گذاشتن سر دین است که بگوییم: «خدایا! ما آمدیم دینداری کردیم و از دنیای خودمان به خاطر تو گذشتیم!» و گاهی اوقات اینها اساساً توهم دینداری است و حقیقت دینداری نیست.**

در مقابل «تمدن غرب» باید نشان دهیم «دین انسان را به زندگی و تمدن بہتری می رساند» / غرب در رقابت با آبادانی ناشی از دین ناتوان است

- رفع سوء تفاهم نسبت به فاصله داشتن دین از زندگی، آثار بیرونی هم دارد. یکی از این آثارش در ارتباط با جهان غرب است. ما در مقابل تمدن غرب، یک حرف بیشتر نداریم و آن هم اینکه «دین انسان را به تمدن و زندگی بہتری می رساند»؛ زندگی بہتر یعنی هم از نظر فردی و هم از نظر اجتماعی. البته آنها الان این واقعیت را متوجه شده اند، به همین دلیل است که می آیند و بمباران می کنند و خراب می کنند. ببینید چه بر سر افغانستان و عراق و سوریه و یمن آوردند. چرا ساختمان ها را خراب می کنند؟ چرا تأسیسات را نابود می کنند؟ اینها متوجه شده اند که اوج پیشرفت خودشان همین است که الان به آن رسیده اند و حالا دوران بازگشت فوآره برای آنها فرارسیده است. دوران خراب شدن این تمدن پوشالی فرارسیده است. آنها نمی توانند با تمدنی که دین می تواند ایجاد کند، رقابت کنند، لذا به تخریب فیزیکی روی آورده اند و آمده اند شهرها را نابود کنند و در مقابلش، شیک بودن شهرهای خودشان را حفظ کنند تا این رقابت را ببرند!
- برای آنها مهم نیست که به چه دلیلی این خرابی ها را ایجاد کنند. یک وقت به دلیل مواضع دولت سوریه بمباران می کنند و یک وقت هم به دلیل مواضع داعش بمباران می کنند؛ برای آنها فرقی نمی کند، فقط می خواهند این شهرها خراب باشند، چون آنها در رقابت با آبادانی ای که دین در مقابل نظام سرمایه داری ایجاد می کند، خودشان را ناتوان می بینند.

مسبب سوء تفاهم کشور را دو شقّه کرده اند: ۱. دینداران زندگی گریز ۲. زندگی طلبان آرمان گریز / اینها وقتی می گویند «نیروهای ارزشی» منظورشان عدم واقع بینی است

- این در شرایطی است که متأسفانه همان کسانی که در طول تاریخ، سوء تفاهم ایجاد کرده اند، توانسته اند در کشور اسلامی ما دو شقّه ایجاد کنند: شقّه دینداران زندگی گریز، یا آرمان گرایان غیرواقع بین و شقّه زندگی طلبان واقع بین آرمان گریز. و خیلی ها هم باورشان شده است که واقعاً این دو گرایش وجود دارد و این تقسیم بندی درست است!
- آیا واقعاً مذهبی ها و انقلابیون، زندگی گریز هستند؟! آیا اینها آرمان گرای غیرواقع بین هستند؟! در حالی که اساساً آرمان گرایی غیرواقع بینانه غلط است! اصلاً چنین چیزی نداریم. خیلی راحت به دروغ اسم گذاری می کنند و مثلاً می گویند: اینها نیروهای ارزشی هستند و منظورشان این است که اینها واقع بین نیستند و فقط دنبال ارزش ها هستند و به بہبود زندگی نمی اندیشند! بعد هم

خودشان را طرفدار زندگی معرفی می‌کنند. حتی برخی گروه‌ها هم نان سیاسی این‌طور تفرقه‌افکنی‌ها و ایجاد سوء تفاهم‌ها را می‌خورند.

این سوء تفاهم را در جامعه ما ایجاد کرده‌اند که عده‌ای طرفدار «زندگی»، و عده‌ای طرفدار «بندگی»‌اند، و این دو گروه با هم می‌جنگند!

- چقدر سخیف است که برخی بخواهند مردم را بر اساس عینکی بودن و عینکی نبودن به دو گروه تقسیم کنند و بر این اساس، طبقات اجتماعی درست کنند؟! همان قدر هم این سوء تفاهمی که ایجاد کرده‌اند، سخیف است که می‌گویند: یک عده‌ای طرفدار زندگی هستند و یک عده‌ای هم طرفدار بندگی هستند و این دو گروه با هم می‌جنگند! آنها توانسته‌اند این سوء تفاهم غیرعقلانه را در رده‌های بسیار عمده اجتماعی در جامعه ما ایجاد کنند و متأسفانه خیلی‌ها هم فریبش را خورده‌اند.

- یک مسجد درست و خوب، مسجدی است که اگر خانواده‌های غیرمتدین محله، می‌خواهند بچه‌های آنها در کنکور موفق باشند، بچه خود را به این مسجد ببرند و بگویند: ما نمی‌خواهیم بچه ما مذهبی شود ولی دیده‌ایم که بچه‌های این مسجد نسبت به سایر جوانان محله، در کنکور بهتر قبول می‌شوند» اگر بسیج در این مسجد فعال است، این یک بسیج درست است. نادرست است که تصور کنیم: «اگر می‌خواهیم ارزش‌ها را پاس بداریم، باید به سراغ مسجد برویم و اگر می‌خواهیم دنیای ما تأمین شود به سراغ کانون‌های دیگری برویم که ربطی به مسجد ندارد!»

هر انسان دینداری باید پاسخ دهد که «دینش در زندگی‌اش چه تأثیری داشته؟»/دشمنی با انبیاء از آنجا آغاز می‌شود که برای آباد کردن زندگی، در امور زندگی دخالت می‌کنند

- درست است که هدف نهایی دین، تقرب است، ولی در یک زندگی درست است که می‌شود به خدا مقرب شد. کسی که معیشت و زندگی‌اش دشوار باشد، روز قیامت کور وارد صحرای محشر خواهد بود(طه/۱۲۴)
- هر انسان دینداری باید بتواند به این سؤال پاسخ دهد که «دین تو در زندگی تو چه تأثیری داشته است؟» بحث بر سر اصلاح زندگی است و درگیری از اینجا شروع می‌شود و الا کسی که بندگی‌اش هیچ ربطی به زندگی‌اش نداشته باشد، در طول تاریخ هیچ‌کسی با او دشمن نخواهد شد. دشمنی با انبیاء از آنجایی آغاز می‌شود که برای آباد کردن زندگی، در امور زندگی دخالت می‌کنند.

- اگر سوء تفاهم‌ها درباره نقش دین در بهبود زندگی برطرف شود، هر کسی که یک آدم متدینی را ببیند می‌گوید: حتماً زندگی او خیلی قشنگ‌تر، شیک‌تر و بهتر است. البته معنای زندگی شیک و قشنگ و خوب، یک زندگی سرشار از اسراف و تجملات بی‌خود نیست و ما نمی‌خواهیم این نوع زندگی را تبلیغ کنیم و در جلسات آینده به تعریف زندگی بهتر خواهیم پرداخت.

- دین خیلی برای بهبود زندگی ما حرف دارد ولی متأسفانه نگاه ما نسبت به دین سطحی است. به عنوان مثال مکرراً پیش آمده که ائمه هدی(ع) برخی از اصول بهبود زندگی و بعضی از تکنیک‌های ظریف‌تر شدن زندگی را به دوستان خودشان یاد می‌دهند و

به آنها تأکید می‌کنند که «این مطلب را به دشمنان خودتان یاد ندهید چون دشمنان شما از همین اصول استفاده می‌کنند و زندگی خودشان را بهتر می‌کنند و بعد هم برای نابودی شما اقدام می‌کنند.»

هدف دوم از طرح این بحث: اصلاح زندگی و رسیدن به زندگی بهتر / دین حتی می‌تواند فوتبال ما را بهتر کند

- اولین هدف ما از این بحث، رفع سوء تفاهم است، دومین هدف ما «اصلاح زندگی و تحصیل زندگی بهتر» است یعنی اینکه ما چگونه به سراغ دین برویم که واقعاً زندگی ما بهتر شود؟ ما مؤمنین و متدینین، بالاخره باید از این دین خودمان برای زندگی بهتر، بهره ببریم. واقعاً گاهی اوقات مهارت‌هایی برای یک زندگی بهتر لازم است که وقتی انسان این مهارت‌ها را به دست می‌آورد، به نتیجه بهتر می‌رسد و در کارش موفق‌تر است. همه صنوف به این مهارت‌ها نیاز دارند: از ورزشکار و محقق و پژوهشگر گرفته تا تاجر و صنعتگر.
- مثلاً درباره همین فوتبال به عنوان یک بازی پرطرفدار، آیا دین ما تعلیماتی ندارد که به درد ورزشکاران این رشته ورزشی بخورد؟ درست است که ۱۴۰۰ سال پیش فوتبال نبوده، اما وقتی ائمه هدی (ع) راه‌های زندگی بهتر را تبیین می‌کنند، می‌توانیم از تعلیمات آنها برداشته‌هایی داشته باشیم که به درد این ورزشکاران بخورد. اگر فوتبال ما در جهان فوتبال اول نباشد، علامت این است که دین را خوب تعلیم و تبلیغ نکرده‌ایم. چون وقتی دین زندگی ما را بهبود ببخشد، طبیعتاً در اموری مثل ورزش فوتبال هم تأثیر خواهد گذاشت.
- الان برداشت از دین به گونه‌ای است که اگر بگوییم «دین می‌تواند فوتبال ما را بهتر کند» این سخن کمی تعجب‌آور یا خنده‌دار به نظر می‌رسد. کما اینکه برخی سخنان امیرالمؤمنین (ع) در آن زمان برای مردم تعجب‌برانگیز بود. مثلاً اینکه به مردم می‌فرمود: می‌توانستم از این آب (رودخانه) شبهای شما را روشن کنم.

هدف سوم از طرح این بحث، اصلاح بندگی و رسیدن به بندگی بهتر / بدون اصلاح زندگی نمی‌شود به بهترین حیات اخروی رسید

- هدف سوم ما از این بحث، اصلاح بندگی و تحصیل بندگی بهتر است. واقعاً ما دنبال این هستیم که به خدا نزدیک شویم، معنویت‌مان افزایش یابد و حیات اخروی‌مان را آباد کنیم، اما برای تقرب به خدا و داشتن حیات اخروی خوب، باید از مسیر زندگی درست عبور کنیم. یعنی نمی‌شود زندگی دنیا را دور بزنیم و به بهترین حیات در عالم آخرت برسیم.
- ممکن است برخی افراد نادان این‌طور بگویند: «ای کاش می‌شد که یک دین یا یک سبکی برای بندگی داشته باشیم که خداوند از ما نخواهد که زندگی‌مان درست شود، یا از ما نخواهد که از مسیر زندگی درست عبور کنیم! آن وقت می‌رفتیم و به بهشت و رضوان الهی می‌رسیدیم و به خدا مقرب می‌شدیم و آدم محبوبی نزد خدا می‌شدیم!» این امکان‌پذیر نیست و الا اصلاً شاید این‌طوری دینداری راحت‌تر بود.
- یکی از دوستان امام صادق (ع) پیرمرد تاجری بود که به قدر کافی مال و اموال داشت و می‌خواست خودش را بازنشسته کند چون می‌گفت: من که دیگر نیازی ندارم دنبال کسب و تجارت بروم و خودم را خسته کنم و ذهن خودم را درگیر کنم. برای امام صادق (ع) خبر آوردند که فلانی می‌خواهد خودش را بازنشسته کند، از تجارت کناره‌گیری کند و به عبادت و بندگی پردازد و این سالهای آخر

عمرش را راحت تر زندگی کند. امام صادق(ع) فرمودند: اگر تجارت را قطع کند، عقلش کم خواهد شد، او حق ندارد این کار را بکند. (یا مُعَاذُ أَوْ زَهْدَتَ فِيهَا... فَإِنَّ تَرْكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ؛ کافی/۵/۱۴۹) حضرت می فرماید، کسی که تجارت را ترک کند، عقلش کم خواهد شد. آن وقت شما بروید در روایات ببینید عبادت کسی که عقلش کم است چقدر اجر دارد و چقدر اجر عبادتش کاهش پیدا می کند؟

شاید ما بد زندگی می کنیم که بد بندگی نمی شود غیر از راه «اصلاح زندگی» به خدا مقرب شد

- هدف سوم ما این است که بندگی خودمان را اصلاح کنیم. شاید ما بد زندگی می کنیم که بد بندگی می کنیم؟ شاید بد کار می کنیم که بد نماز می خوانیم؟ شاید ما روز خودمان را بد پشت سر می گذاریم که نیمه شب سفره مناجاتمان در خانه خدا پهن نیست.
- برخی می پرسند: «چه کار کنم که توجه من در نماز بیشتر شود؟ چه کار کنم که اشک و آه و ناله ام در خانه خدا بیشتر شود؟ چه کار کنم که به امام زمان(ع) نزدیک شوم و بتوانم ایشان را ببینم؟» این نشان می دهد که او یک انسان معنوی است که خدا را دوست دارد، اهل بیت(ع) را دوست دارد و می خواهد به خدا مقرب شود. اما نمی شود غیر از طریق اصلاح زندگی به خدا مقرب شد.

دین منهای زندگی خیلی ترویج شده و خیلی هم طرفدار دارد / برخی دوست ندارند در مسیر تقرب، درگیر زندگی باشند

- برخی افراد نادان می گویند: ای کاش می شد که ما درگیر دنیا نشویم و فقط آخرتی باشیم و با خدا صفا کنیم! دین منهای زندگی خیلی ترویج شده است و خیلی هم طرفدار دارد. اصلاً بعضی ها خوش شان نمی آید که در مسیر تقرب، درگیر زندگی باشند.
- همان طور که می دانید، سامری کسی بود که قوم بنی اسرائیل را گوساله پرست کرد. قوم بنی اسرائیل صدها سال منتظر نجات از دست فرعون ها بودند و آن قدر ضجه زدند تا ظهور موسی جلو افتاد. (...فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَ بَكَوْا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَ هَارُونَ يُخَلِّصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ؛ تفسیر عیاشی/۲/۱۵۴) قوم بنی اسرائیل کسانی بودند که در یک مقطعی، پسران آنها را گردن می زدند و مادرهایی که حامله بودند را می کشتند. قوم بنی اسرائیل خیلی بدبختی کشیدند تا به حضرت موسی(ع) رسیدند و آن معجزات بزرگ الهی را دیدند. مانند عبور از رود نیل، نازل شدن غذای آماده از آسمان (أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَى؛ بقره/۵۷) و جوشیدن دوازده چشمه از دل زمین برای دوازده قبیله (فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا؛ بقره/۶۰) گویا دنیا برای آنها داشت شبیه بهشت می شد! اما قومی که آن همه آیات الهی را دیدند و آن همه شکنجه شدند، سامری آنها را گوساله پرست کرد.

«سامری» های امت پیامبر(ص) دنبال دین منهای زندگی بوده اند / باید از طریق اصلاح زندگی، بندگی مان را اصلاح کنیم

- در روایاتی از پیامبر(ص) و ائمه هدی(ع) آمده است که این امت هم سامری دارد. (پیامبر(ص): ... وَ فِرْقَةٌ مُدْهَدَهَةٌ عَلَى مِلَّةِ السَّامِرِيِّ؛ امالی مفید/ص ۳۰) برجسته ترین افرادی که به عنوان سامری این امت معرفی شده اند، کسانی هستند که دنبال عرفان و معنویت دینی منهای زندگی بوده اند. یکی از این افراد شاخص سامری مسلک، کسی بود که اصلاً اهل دنیا نبود و می گفت: «برویم سراغ خدا! زندگی را رها کنید!» و معلوم نبود که او از چه طریقی می خواست به خدا برسد!؟

- ما باید از طریق اصلاح زندگی، بندگی خودمان را اصلاح کنیم. اگر ما بتوانیم زندگی خودمان را تنظیم کنیم به نقطه‌ای خواهیم رسید که بندگی بسیار زیبایی خواهیم داشت. هر وقت دیدید که حال مناجات ندارید، مطمئن باشید که خوب زندگی نکرده‌اید، یعنی یک‌جایی به زندگی بی‌اعتنا بوده‌اید، یک‌جایی برای زندگی اهمیت قائل نشده‌اید، یا اینکه با پدیده معیشت و حیات و زندگی، غیرمحترمانه برخورد کرده‌اید. خدا به انسان مؤمن چنین اجازه‌ای نمی‌دهد.

باید زندگی‌مان را درست کنیم تا بتوانیم عاشق خدا شویم/ کسانی که فقط از سرِ گرفتاری سراغ امام زمان‌شان بروند، معلوم نیست که بعداً به امام‌شان خیانت نکنند

- تصور خیلی‌ها این است که انسان‌های بدبخت، بیشتر دینداری می‌کنند، در حالی که اصلاً این‌طور نیست. اتفاقاً ما آدم‌هایی را می‌خواهیم که خوب زندگی کنند و دل‌های آنها از گرفتاری‌ها آزاد باشد تا این دل‌ها را به درِ خانه خدا ببریم. یعنی کسانی باشند که گرفتاری نداشته باشند، زندگی آنها «مَعِيشَةً ضَنْكاً» نباشد و از دغدغه‌های نابه‌جای زندگی آزاد باشند؛ البته به‌خاطر اینکه زندگی‌شان درست است نه اینکه بی‌خیال زندگی باشند. اینها هستند که می‌توانند با امام زمان (ع) عشق‌بازی کنند و الا بسیاری از کسانی که گرفتار هستند، نمی‌توانند خوب دعای ندبه بخوانند.

- ما باید زندگی خودمان را با کمک دین، درست کنیم و بعد با یک آرامش و فراغت روحی و از سرِ معرفت، امام زمان (ع) را صدا بزنیم. و الا اینکه آدم‌ها گرفتار باشند و درِ خانه امام زمان‌شان بروند که امری طبیعی است. ولی اگر کسانی از سرِ گرفتاری (نه از سرِ آرامش و معرفت) به سراغ امام زمان‌شان بروند، معلوم نیست که اینها بعداً به امام زمان‌شان خیانت نکنند.

- قبلاً بعضی‌ها-در تأثیر هجمه تفکرات مارکسیستی- می‌گفتند: «فقط کسانی که فقیر و محروم و تحت ستم بودند، به پیامبر اکرم (ص) ایمان می‌آوردند!» در حالی که این‌طور نبود. مثلاً یکی از جوانانی که به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد، جوان یک خانواده بسیار مرفه و ثروتمند در مکه (به نام مصعب) بود. او هر چیزی که یک جوان می‌خواست، پدر و مادرش برایش تأمین می‌کردند. او از سرِ فراغت و نه از سرِ گرفتاری، به پیامبر (ص) ایمان آورد. (کان مصعب ابن عمیر فتنی مکه شبابا و جمالا و تیهبا، و کان أبواہ یحبانه، و کانت أمه تکسوه أحسن ما یکون من الثياب... الاستیعاب/ ۴/ ۱۴۷۳)

- مصعب، جوان ثروتمندی بود که به پیامبر (ص) گرایش پیدا کرد و وقتی که عده‌ای از مردم مدینه مسلمان شدند و از پیامبر (ص) خواستند که یک مبلغ بفرستد که آنها را با اسلام آشنا کند، پیامبر (ص) او را فرستاد. و او بود که مقدمات گرایش مردم مدینه به اسلام را فراهم کرد. (الکامل فی التاریخ، ابن اثیر/ ۲/ ۶۶) و (تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، علی دوانی/ ۲۹۰)

- باید زندگی خودمان را درست کنیم تا بتوانیم عاشق خدا و اولیاءش بشویم، و الا درگیر این زندگی باقی می‌مانیم. چون زندگی خوب، برای روح انسان درگیری ایجاد نمی‌کند لذا این روح می‌تواند عاشق بشود.

